

«کار و تلاش»

آموختنی‌ها

۱. ستا و مفهوم لیات در سبک
۲. ترتیب واژه‌ها در جمله
۳. مفهوم کار و عمل در زندگی
۴. تبدیل نظم به نثر ساده
۵. آشنایی با کلمات مخفف
۶. آشنایی با پروین اعتصامی و عبدالرحمن جامی شاعران برجسته ایرانی

جعبه کلمات

کلمات مترادف

صبور: کاسکار:
 تیره دل: بد انبش سور: جشن
 خاکدان: دنیای خاکی، این جهان ژرف: گود، عمیق
 تنی چند: خور و خواب:
 اندرون: ستوده‌اند:
 مسکین: بیچاره، بی‌نوا، نیازمند، تهیدست
 توشه: خوراک اندک یا خوراک برای مدت معینی، آذوقه‌ی سفر

کلمات متضاد

مسکین ≡ اسراف ≡ پیری ≡
 عاقل ≡ فراز ≡ راست‌گویی ≡
 حاضر ≡ غافلان ≡ هشیار ≡

کلمات هم خانواده

زحمت، حضور، غافل،
 قناعت، مُلک،
 فارغ، حسود،

جمعه کلمات درس هفدهم کلمات هم معنی	
صبور - شکیبا - بردبار	ژرف - گود - عمیق
دیره‌دل - باعقدیش	خور و خواب - خورمن و خوابمن
خاکدان - دنیای خاکی، این جهان	ستوده‌اند - ستایش شده‌اند
تنی چند - چند تن، چند نفر	خاکبان - لعل خاک، مردم و انسان‌ها
اندرون - داخل	بیکران - بی‌پایان، نامحدود
مسکین - بیچاره، بی‌نوا، نیازمند، تهیدست	اعتدال - اطمینان، کاری را به کسی سپردن
توشه - خوراک اندک یا خوراک برای مدت معینی، آذوقه‌ی سفر	فارغ - راحت، آسوده
کاسکار - خوشخت	خادر - توله، بانثرت
سور - جشن	

کلمات مخالف	
مسکین ≡ غنی	غافلان ≡ آگاهان، خابان، هوشیاران
عاقل ≡ نادان	پیری ≡ جوانی
حاضر ≡ غایب	راست‌گویی ≡ دروغ‌گویی
اسراف ≡ سرفه‌جویی، تلفات	هشیار ≡ غافل
فراز ≡ فروه	

کلمات غیرخوابده	
زحمت، مراقب، زحمت	ملک، مالک، لئاک
تفاهت، قلع، قناع	حسود، حسد، حقد، حسادت
فارغ، فراغت	غافل، غفلت، انفعال
حضور، حاضر، محضر	

برای پیشرفت بیشتر و جیش در علم و دانایی، باید با تأمل درس خواند اما تلاش و پشتکار بال دیگر این پرواز است. با تلاش، تکرار و تمرین بسیار می‌توانیم به آنچه آرزو داریم، برسیم. در راه رسیدن به آرزوهایمان، ممکن است مشکلاتی پیش بیاید ولی کوشش و تلاش آن‌ها را از سر راهمان دور می‌کند و راه را برایمان هموار می‌سازد تا به آنچه می‌خواهیم برسیم.

به راهی در، سلیمان دید موری که با پای ملخ می‌کرد زوری

حضرت سلیمان در راه مورچه‌ای دید که پای ملخ را به زور می‌کشید.

به زحمت خویشت را هر سو کشیدی وز آن بار گران، هر دم خیدی

با زحمت زیاد خود را به هر طرف می‌کشید و هر لحظه زیر بار آن بار سنگین خم می‌شد.

ز هر کردی، بیرون افتادی از راه ز هر بادی، پریدی چون پر گاه

با برخورد هر ذره‌ای از راهش بیرون می‌افتاد و از وزش هر بادی، مانند کاهی می‌پرید.

چنان بگرفته راه سعی در پیش که فارغ گشته از هر کس جز از خویش

آن چنان در کار خود کوشش می‌کرد که آثار به چیزی جز به کار خودش مشغول نبود.

به تندی گفت: «کای سسکین نادان! چرایی فارغ از ملک سلیمان؟»

حضرت سلیمان با خشم گفت: ای بیچاره‌ی نادان! چرا از پادشاهی سلیمان بی‌خبری؟

یا زین ره به قصر پادشاهی بخور در سفره‌ی ما هر چه خواهی

از همین راه، برو به سوی قصر پادشاهی ما و هر چه می‌خواهی در سفره‌ی ما بخور.

چرا باید چنین خوابه خوردن تمام عمر خود را بار بردن

دلیلی ندارد که این طور غصه بخوری و تمام عمر خودت را بباری کنی.

ره است اینجا و مردم رهگذارند میادا بر سرت پایی گذارند

اینجا وسط راه است و مردم هم از اینجا می‌گذرند. میادا پا روی تو بگذارند.

مکش بیبوده این بار گران را میازار از برای جسم، جان را»

بیبوده این بار سنگین را به دنبال خودت نکش و به خاطر خوراک، جست و جانت را آزار نده.

بگفت: «از سوره کتیر گوی یا مور که موران راه قناعت خوش‌تر از سوره

مورچه گفت: «با مورچه در مورد جشن و مهمانی صحبت نکن؛ زیرا آن‌ها خرسندی و قناعت را از مهمانی بیشتر دوست دارد.

نیفتد با کسی ما را سر و کار که خود، هم توشه داریم و هم انبار

نیاز و احتیاج ما به کسی نیست، زیرا ما مورچه‌ها، هم غذا داریم و هم انبار آذوقه.

مرا امید راحت‌هاست زین رنج من این پای ملخ، ندهم به صد گنج»

من به امیدی که به آسایش‌های آینده دارم این رنج را می‌کشم و این پای ملخ را با صد گنج عوض نمی‌کنم.

گرت همواره باید کماکاری ز مور آموزه رسم بردباری

اگر می‌خواهی همیشه سعادتمند و کامروا باشی، راه و رسم بردباری را از مورچه بیاموز.

مرو راهی که پایت را بینند مکن کاری که هشیاران بخندند

وارد راه‌هایی نشو که گرفتارت کنند و دست به کارهای جاهلانه‌ی فتن که دانایان مسخره‌ات کنند.

که تدبیر، عاقل باش و بینا ره امروز را مسپار فردا

هنگام تصمیم‌گیری، عاقلانه و با بینش تصمیم بگیر و راهی را که امروز باید بروی، به فردا نینداز.

بکوش اندر بهار زندگانی که شد پیرانی پیری، جوانی

در آغاز جوانی به سعی و تلاش مشغول باش؛ زیرا سرمایه‌ی تلاش دوران جوانی، زیور روزگار پیری است.

نیایش

این درختان‌اند همچون خاکیان دست‌ها پر کرده‌اند از خاکدان

🎧 درختان همانند انسان‌هایی هستند که دستانشان را از زیر خاک به سوی آسمان بلند کرده‌اند.

با زبان سبز و با دست دراز ز ضمیر خاک می‌گویند راز

🎧 انگار با برگ‌های سبزشان که مانند زبان است و شاخه‌ی دست‌هایشان، از اسرار درون خاک دارند سخن می‌گویند.

خدایا! همه‌ی کلرها را با نام تو آغاز و با یاد تو به پایان می‌رسانیم. از تو در تمام کارها یاری می‌خواهیم. به ما آرامش، موفقیت و توفیق

خدمت به خلق را عطا کن! ای که تو بخشنده‌ترین و مهربان‌ترینی!

بخوان و بدان



تفاوت «نثر» و شعر «نظم»

☆ شعر، نوشته‌ای است موزون و دارای آهنگ، که ممکن است واژه‌ها و اجزای جمله، به ترتیب در جای خود قرار نگیرند.

☆ نثر، نوشته‌ای است دارای نظم، که واژه‌ها و اجزای جمله به ترتیب و سر جای خود قرار دارند.

☆ برای اینکه شعر را به راحتی معنی کنیم و اجزای جمله را تشخیص دهیم، ابتدا ترتیب قرار گرفتن واژه‌ها را در مصراع یا بیت

مرتب و بعد به راحتی معنی می‌کنیم.

مثال:  بیا زین ره به قصر پادشاهی ← از این راه، به قصر پادشاهی بیا.

کلمات مخفف

☆ گاهی برای زیبایی و آهنگ شعر، برخی از کلمات به صورت مخفف یا کوتاه شده، نوشته می‌شوند.

مثال:  پادشاه ← پادشاه ره ← راه زین ← از این

اجزای جمله

به ترتیب قرار گرفتن کلمات در جمله به همراه مثال دقت کن.

☆ جملات دو قسمتی: نهاد + فعل (خورشید درخشید).

☆ جملات سه قسمتی: نهاد + مفعول + فعل (علی کتاب گلستان را خواند.) (پسرم غذایت را بخور.)

☆ جملات سه قسمتی: نهاد + متمم + فعل (بچه‌ها در کلاس خندیدند.) (بچه‌ها به پارک رفتند.)

☆ جملات سه قسمتی: نهاد + مسند + فعل (فرهاد خوشحال بود.) (هوا سرد شد.)

☆ جملات چهار قسمتی: نهاد + مفعول + متمم + فعل (خبرنگار روزنامه جریان حادثه را از مردم محل پرسید.)

تعریف شعر

تعریف نثر

نحوه تبدیل شعر به نثر

این مطالب وارد کتاب شود.

نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم.

مفعول: کلمه‌ای است که کلری بر آن واقع شده و نشانه‌ی آن حرف (را) است که می‌تواند در جمله نباشد ولی در معنای جمله اضافه شود.

متمم: کلمه‌ای است که تمام کننده‌ی جمله است و بعد از حرف اضافه (از - به - با - در -) می‌آید.

مسند: صفت یا حالتی است که آن را به نهاد نسبت می‌دهیم.

راه تشخیص نهاد، مفعول و مسند در جمله و شعر:

اجزای جمله	نهاد	مفعول	مسند
سوالات تشخیصی	چه کسی + فعل؟ چه چیزی	چه کسی را + فعل؟ چه چیزی را	چطور + فعل؟ چگونه
مثال	چه کسی خواند؟ <u>علی</u> نهاد	چه چیزی را خواند؟ <u>کتاب گلستان را</u> مفعول	فرهاد چگونه بود؟ <u>خوشحال</u> مسند

یکی از راه‌های تقویت مهارت املا، دانستن و به کار بستن هم خانواده‌هاست. اگر شما کلمات هم خانواده را بشناسی، به راحتی می‌توانی املاي درست آن‌ها را بنویسی. سعی کن کلمه‌های هم خانواده را در هر درس بیابی، آن‌ها را دسته‌بندی کنی و هم خانواده‌های جدیدی به آن‌ها اضافه کنی. با توجه به درس هفدهم به سوالات پاسخ بده.

الف: کلمه‌های زیر را دسته‌بندی کن و در قسمت مربوطه بنویس.

مراحم
غافل
قناعت
محبت
احترام
هشيار
عادل
توانمند
اسراف
الطاف
محترم
حبیب
مسکین
رحمت

متضاد

هشيار، غافل
عادل، نادان
قناعت، اسراف
توانمند، مسکین

هم خانواده

احترام، محترم
رحمت، مراحم
حبیب، محبت

ب: یک بند بنویس و در آن از حداقل ۴ کلمه‌ی هم خانواده استفاده کن.

پاسخ آزاد است



تمرین



۱

هر کلمه را به کوتاه شده‌ی آن و یا برعکس وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)



۲

درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

سلیمان مورچه را به قصر دعوت کرد



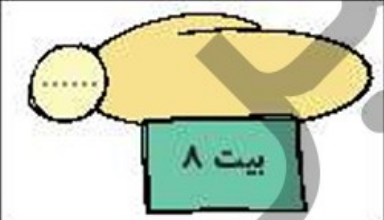
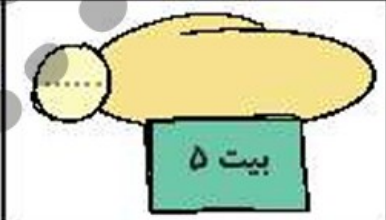
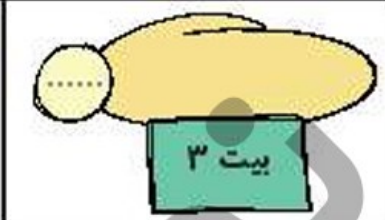
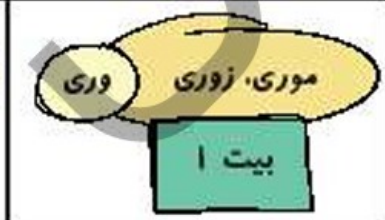
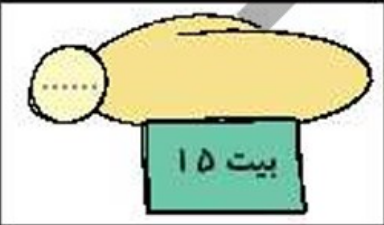
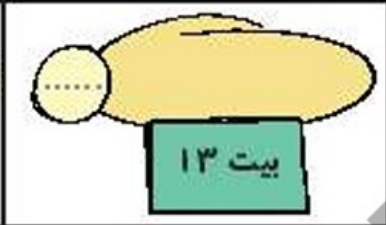
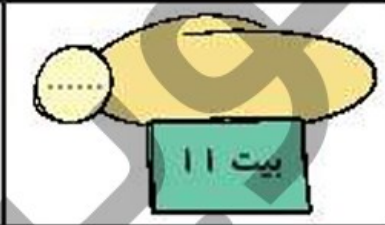
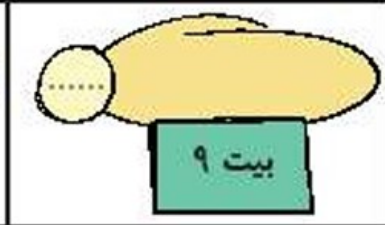
الف: مور، سلیمان را به مهمانی دعوت کرد.

ب: در قسمت آخر هر جمله فعل قرار می‌گیرد.

پ: «آراستن» هم معنی «پیرایه» است.

ت: مادر ابوریحان «مهرانه» و پدرش «احمد» نام داشت.

۲ کلمات هم آهنگ بیت‌های «فرد، راز روی درس مشخص کرده و به همراه حروف مشترک در کادر بنویس. (به نمونه توجه کن)

- ۱ ← موری، زوری (ی)
- ۲ ← راه گاه (ا)
- ۳ ← نادان، سلیمان (ان)
- ۴ ← راه گاه (ا)
- ۵ ← نادان، سلیمان (ان)
- ۶ ← رهگذرانند، گذرانند (ند)
- ۷ ← رهگذرانند، گذرانند (ند)
- ۸ ← کار، کنار (ار)
- ۹ ← گران جان (ان)
- ۱۰ ← کار، کنار (ار)
- ۱۱ ← کار، کنار (ار)
- ۱۲ ← کامکاری، بردباری (اری)
- ۱۳ ← کامکاری، بردباری (اری)
- ۱۴ ← کامکاری، بردباری (اری)
- ۱۵ ← بینا فردا (ا)

مهم

کلمات زیر را با «ان» به صورت جمع در جدول بنویس.

۱						
۲						
۳						
۴						
۵						

همگان

۱. همه

حسودان

۲. حسود

پرندگان

۳. پرنده

هشیاران

۴. هشیار

همراهان

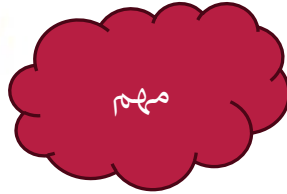
۵. همراه

فارسی پنجم دبستان

۱۳۶



علوی



۵ نمودار مربوط به هر جمله را رسم کن.
الف: پدر و مادرم، شوق آموختن را در من به وجود آوردند.

ب: راهنزن تعداد سکه‌ها را از جوان پرسید.



مهم

۶ مفهوم و معنای مصراع‌های زیر را بنویس.

الف: گه تدبیر، عاقل باش و بینا

سادهنویسی: هنگام چاره اندیشی، بینا و دانا باش

ب: ره است اینجا و مردم رهگذارند.

سادهنویسی: اینجا راهی است و مردم عبور می کنند.

۷ تصویر زیر به کدام ضرب المثل اشاره می کند؟

ضرب المثل:

تهی پای رفتن به از کفش تنگ

مهم



با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: سراینده شعر «کار و تلاش» است.

- (۱) خیام نیشابوری
- (۲) حافظ شیرازی
- (۳) پروین اعتصامی
- (۴) جامی

ب: در «نمایش»، به بررسی و بازخوانی داستان و انتخاب یکی از شخصیت‌ها، می‌گوییم.

- (۱) صحنه پردازی
- (۲) انتخاب نقش
- (۳) اجرای نمایش
- (۴) نقد و بررسی

پ: کدام نام، مناسب جای خالی در عبارت زیر است؟

«در سال ۹۰۴ هجری قمری،، عزم سفر به هند کرد و من (ابوریحان) نیز همراه او شدم و از این فرصت به دست

آمده، استفاده کردم و زبان مردم آن سرزمین را فرا گرفتم.»

- (۱) سلطان مسعود غزنوی
- (۲) سلطان محمد خوارزم شاه
- (۳) سلطان محمود غزنوی
- (۴) امیر نوح سامانی

ت: مثل «تا تنور گرم است، نان را بچسبان، چه چیزی را بازگو می‌کنند؟

- (۱) فرصت طلبی
- (۲) شکیبایی
- (۳) احتیاط
- (۴) تحمّل

ث: حضرت سلیمان، مورچه را از چه می‌ترساند؟

- (۱) گرسنگی
- (۲) غصه
- (۳) زیر پا ماندن
- (۴) سنگینی بار

ج: در کدام گزینه «ترکیب وصفی، وجود ندارد؟

- (۱) ملک سلیمان
- (۲) بارگران
- (۳) جوان صادق
- (۴) کار ناپسند



گنجشک پر گشود و روی باغچه نشست و کمی آن طرف تر کرم کوچکی پیدا کرد. بانوکش آن را برداشت و برای جوجه‌ی تازه از تخم در آمده برد. جوجه، جیک جیک کنان دهانش را باز کرد و گنجشک مادر با حوصله آن را به دهان جوجه گذاشت. بعد از چند دقیقه جوجه سعی کرد پرواز کند و گنجشک بالای سرش بال می‌زد. آخر او یک «مادر» بود.

الف: منظور از «پر گشودن، چیست؟

ب: حرف «ش، در کلمه‌ی «نوکش، به چه کسی اشاره می‌کند؟

پ: کدام ویژگی گنجشک، «مادر، بودن او را نشان می‌دهد؟

ت: شما کدام ویژگی «مادرت، را بیشتر دوست داری؟ چرا؟

پرواز کردن

ضمیر او می باشد و به گنجشک اشاره دارد.

مراقبت و محافظت کردن جوجه اش، مهربانی، با حوصله بودن

پاسخ آزاد است.



پروین اعتصامی

رخشنده اعتصامی (متولد ۱۲۸۵ شهر تبریز - ۱۳۲۰

شهر قم) معروف به پروین اعتصامی شاعر ایرانی است

که به عنوان (پראوازه‌ترین شاعر زن ایران) از او یاد

شده است. پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی

زیر نظر پدرش و استادانی چون دهخدا و ملک‌الشعراى بهار سرودن شعر را آغاز کرد.



پخوان و پیشگامان



عبدالرحمن جامی

شاعر، عارف، موسیقی‌دان بزرگ قرن نهم است.

او در شهری (خرجرد جام) از توابع خراسان متولد شد و بعدها همراه پدر به سمرقند و هرات

رفت و در آن دیار به کسب علم و ادب پرداخت. از جامی بیش از چهل اثر و تالیف سودمند و

گزان‌بها به زبان فارسی و عربی به جای مانده است. معروف‌ترین آثار او عبارتند از هفت‌مثنوی

به نام هفت‌اورنگ است.

